

بحران جهانی و گفت و گوی تمدنها

بحران جهانی و نقدی بر نظریه برخورد تمدن‌ها و گفت و گوی تمدن‌ها در نه فصل همراه با دیباچه‌ای مفصل و یک ضمیمه به نگارش در آمده و از دی ماه تا اسفند ماه ۱۳۸۱ به چاپ دوم رسیده است. کتاب در نگاهی کلی و جهانی به مسائلی مثل مدرنیته و پیشامدرن و تروریسم، وضعیت شوروی سابق و آمریکای فعلی به عنوان ابرقدرت «تکتاز» و رابطه‌اش با دنیای اسلام بخصوص ایران در قالب ارزیابی دو نظریه معروف فوق پرداخته است در مقدمه‌ای با عنوان «گشایش کتاب، دفاع از تهران واحد جهانی» آمده است که سرمایه داری غرب پس از فروپاشی شوروی به فکر ایجاد چالش‌های جدید با دیگر رقبای بالقوه خود افتاده تا حضور خود را در چهارگوشه جهان همچنان حفظ کند. ایده‌ای که ساموئل هانتینگتون با طرح نظریه برخورد تمدن‌ها عرضه کرده است و به نظر نویسنده، گروه‌های افراطی اسلامی هم با عملکرد خود آن را تقویت می‌کنند. نویسنده ایده گفت و گوی تمدن‌ها را بدیل نظرات خشونت‌آمیز دانسته، ولی آن را همانند همان نظریه برخورد تمدن‌ها فاقد شناخت و تبیین درست از مناسبات جهانی و اهرم‌های شکل دهنده قدرت، می‌شناسد.

در دیباچه کتاب، نویسنده ضمن احتمال برخورد جدی‌تر آمریکا و غرب با کشورهای اسلامی و قدرت‌یابی بیشتر احزاب سیاسی و نژادپرست غربی، در بخشی ذیل عنوان «واقعیت چیست؟»، نظریه برخورد تمدن‌ها را نتیجه بد فهمی از ماهیت تمدن‌ها، و نظریه گفت و گوی تمدن‌ها را فاقد راه حل برای رفع مشکل کنونی جهان دانسته است. چرا که به عقیده ایشان، نظریه اخیر، برداشتی تجریدی است نه یک برنامه کاربردی مشخص. به نظر نویسنده امروز نه تمدن اسلامی وجود دارد و نه تمدن مسیحی. امروز تنها یک تمدن وجود دارد و همگان عضو جامعه جهانی‌اند.

فصل اول کتاب به تعریف تمدن و فرهنگ اختصاص یافته است. طبق این تعریف تمدن غلبه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر و نیاز اینها به آن است و نیز تمدن مدرن امروز غرب، یگانه تمدن جهانی دانسته شده است که نتیجه اقتصاد غالب سرمایه‌داری صنعتی، مالی و اطلاعاتی است و تروریسم هم تقابل خشونت بار بقایای تمدن پیشامدرن و سنت‌گرا با همین تمدن مدرن است که به غلط، تقابل اسلام و مسیحیت یا اسلام و کفار خوانده شده است. در فصل دوم با عنوان «دین محور تمدن نیست» مؤلف به نقد نظریه

○ **علی اندیشه**
مربی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن



○ **بحران جهانی و نقدی بر نظریه برخورد تمدن‌ها و گفت و گوی تمدن‌ها**
○ **کاظم علمداری**
○ **نشر توسعه**
○ **۱۳۸۱، ۳۴۴ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰ تومان**

آمریکا و نظریه پردازانش اسلام را مانع دموکراسی در کشورهای جهان سوم می‌داند و این دید غلط باعث ارتباط دادن تروریسم به اسلام شده است

در آمریکا دو سناتور و چهار نماینده، قربانی مخالفت با تجاوزات اسرائیل شده و نمایندگی خود را از دست داده‌اند

بیشتر آزادی وجود دارد. تا دموکراسی و این کشور بر اساس منافع اقتصادی‌اش با دیکتاتورها هم می‌رقصد که نمونه‌های زیادی هم در این زمینه ارائه شده است، از جمله حمایت از صدام در حمله به همسایگان و حتی تشویق او به دستکاری در چاههای نفت مشترک با کویت، تا قیمت نفت آمریکا بالا برود و بالاخره طرح حذف خود صدام که در سال ۱۹۹۶ در دستور کار آمریکا و اسرائیل قرار گرفت. با این حال، آمریکا و نظریه پردازانش اسلام را مانع دموکراسی در کشورهای جهان سوم می‌داند و این دید غلط باعث ارتباط دادن تروریسم به اسلام شده است در بخش دیگر تحت عنوان « مدرنیته برابر با امپریالیسم نیست»، که باز جواب نویسنده به سخن هانتینگتون است، سخن او را متعلق به دوران جنگ سرد و از زبان سازمانهای چپ سوسیالیستی و احزاب کمونیست می‌داند که امروز دیگر موضوعیت ندارد. نویسنده ایران را هم دچار چنین اشتباهی می‌داند به این صورت که با پایان جنگ سرد و نزدیک شدن هر چه بیشتر دو ابرقدرت به یکدیگر، ایران هنوز در حال و هوای دوران جنگ سرد به سر می‌برد و با چسباندن خود به روسیه می‌خواهد دست به مانور بین دو ابرقدرت بزند، درحالی که اقتصاد روسیه خود شدیداً به غرب وابسته است و سیاست تکیه بر آن کشور، دیگر کارایی ندارد.

در بخش دیگر این فصل با عنوان « تمدن مدرن سنتها را نمی‌کند» نویسنده معتقد است که آنچه در برابر مدرنیته قرار می‌گیرد، سنت‌گرایی است و نه سنت. وی با نقل این سخن از «والراشتاین» که می‌گوید «در واقع، جهان از نظر اخلاقی در چند هزار سال گذشته پیشرفتی نکرده است»، به نقل سخن «برایان ترنر» می‌پردازد که گفته است: « در جوامع مدرن، یک فرد می‌تواند روز دوشنبه بودنیسم را انتخاب کند، روز سه‌شنبه زن راه، روز چهارشنبه صوفی‌گری را و بقیه هفته را بی‌دین باشد. کسی با او کاری ندارد و آزادی انتخاب دین اگر در جوامع سنتی شعار است، در جوامع مدرن، عملاً وجود دارد.»

در فصل چهارم، ذیل عنوان «آیا تمدن غرب و مدرنیته یکی است؟»، نویسنده با نقل سخنانی از هانتینگتون در این باره که حاوی جواب منفی به سؤال بالاست، به بررسی نظرات ایشان در هشت بخش پرداخته و بر یکی بودن تمدن غرب و تمدن مدرنیته و این

دین محوری تمدن‌ها در عصر مدرن از یک طرف و نفی امکان وجود تمدن جهانی از طرف دیگر پرداخته است. به نظر وی غرب شدیداً از رشد شرق نگران است و به جلوگیری جدی از توسعه قدرت شرق می‌اندیشد.

در بخشی دیگر ذیل عنوان «خطر جهانی سیاسی کردن دین» نویسنده با اشاره به طرح وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۹۷ به منظور جلوگیری از پیدایش یک قدرت جهانی دیگر، مسئله اصلی را نه دین، بلکه جنگ قدرت و برتری‌جویی دانسته است و این که نظریه برخورد تمدن‌ها فقط عامل تحریک پیروان دین برای حفظ منافع اقتصادی است.

نویسنده معتقد است که آزادی انتخاب دین و نوع آن، جوامع مدرن را بی‌دین نکرده است و جامعه آمریکا نمونه بارزی از یک جامعه عمیقاً دینی است. به نظر او جو سازی‌های دینی به قصد دین داری مردم نیست بلکه با اهداف سیاسی قدرتها صورت می‌گیرد و نمونه‌اش همکاری آمریکا و عربستان در ایجاد بنیادگرایی اسلامی در دهه هشتاد در افغانستان و کشورهای آسیایی است.

نویسنده با این حساب معتقد است که با ادامه روند فعلی استفاده از دین، شرق و غرب روز خوش نخواهند دید و آنچه امروز میان «دین ما» و «دین آنها» در حال رخ دادن است، نه یک رقابت سازنده برای کسب اطلاعات بیشتر یا ارتقاء کیفی عملکرد نهادهای دینی بلکه تشدید دشمنیها و نهایتاً تخریب است.

در فصل سوم کتاب با عنوان «بحران نظم نوین و جهان تک قطبی» نویسنده معتقد است که جهان به سوی چند قطبی شدن حرکت می‌کند و آمریکا باید این تغییر را بپذیرد و گزینه کلیت تمدن جهانی با مخاطره روبه رو خواهد شد. به نظر وی ابرقدرت جهان «آمریکا» در برابر تحولات بین المللی خود را ناتوان می‌بیند و مثلاً برای جبران حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که آرامش درونی جامعه آمریکا را به هم زده، به دنبال کسب پیروزی نظامی است که ضمناً برای اقتصاد خود، بازار تدارک می‌بیند. «در بخش دیگر ذیل عنوان «آیا آمریکا مدافع دموکراسی در خاورمیانه است؟»، نویسنده به این سؤال جواب منفی می‌دهد و معتقد است که در آمریکا

نویسنده ایده گفت و گوی تمدن‌ها را بدیل نظرات خشونت‌آمیز دانسته،
ولی آن را همانند همان نظریه برخورد تمدن‌ها فاقد شناخت
و تبیین درست از مناسبات جهانی و اهرمهای شکل دهنده قدرت، می‌شناسد



○ فرهنگ نظریه‌های فمینیستی
○ مگی هام
○ فیروزه مهاجر، فرخ قره داغی،
نوشین احمدی خراسانی
○ نشر توسعه
○ ۱۳۸۲، ۵۹۷ صفحه، ۴۹۰۰ تومان

در کشور مادر سالهای اخیر جریان ترجمه کتب فمینیستی و مباحث تألیفی در این حیطه به سرعت رو به فزونی گذاشته است و نیازهای جامعه ما شاید در آینده این مباحث را حتی بیشتر از مباحث پست مدرنیستی رونق بخشد. در آستانه آغاز سیل

ترجمه کتب فمینیستی، به تازگی فرهنگی به بازار ارائه شده است با نام فرهنگ نظریه‌های فمینیستی. این کتاب که حاصل زحمت دوساله گروهی از مترجمان است، مجموعه‌ای کامل از واژگان و اعلام فمینیستی است که در برابر هر کدام از آنها توضیحی جامع و تاریخی‌چاهی کاربردی ذکر شده است. در واقع کتاب همان طور که در شناسنامه آن اشاره شده است یک واژه‌نامه (Dictionary) است که ترتیب مدخلهای آن از الفبای انگلیسی اخذ شده است. اما به همت مترجمان در پایان کتاب فهرست مدخلها به ترتیب حروف الفبای فارسی نیز مرتب شده است که بی شک کتاب را کارآمدتر خواهد کرد. علاوه بر این، فهرستها و نمایه‌های کامل و یا ارزشی از اسامی خاص موجود در متن نیز در پایان کتاب آمده است تا این مجموعه شکلی ایده‌آل بگیرد.

گروه مترجمان در مقدمه خود کتاب را ترجمه کل مطالب فرهنگ نظریه‌های فمینیستی نوشته مگی هام می‌دانند که با اضافه کردن مداخل و مباحث تکمیلی که در «فرهنگی توصیفی (انتقادی) فمینیسم و پست فمینیسم» آمده است و نیز چند مدخل که در هیچ یک از دو کتاب موجود نبوده و مترجمان آنها را از فرهنگهای اینترنتی برگرفته‌اند شکل گرفته است. در این کتاب علاوه بر واژگانی که تاکنون به فارسی برگردانده نشده‌اند کلماتی نیز وجود دارد که پیش از این آنها را در مقالات و کتب مختلف به شکلهای گوناگون و گاه نادرستی برگردانده‌اند.

(به عنوان مثال مری دیلی "Mary Daly" که پیش از این همواره «دالی» نوشته می‌شد و یا نام اثرگذارترین کتاب فمینیسم سیاه "This Bridg Called My Back" پلی به نام پشت من (۱۹۸۱) که با نام این پل پشت مرا صدا کرد در ایران شناخته شده بود) گرچه ممکن است این کتاب نیز در ذکر بعضی تلفظها و یا معادل گذاریها لغزشهایی داشته باشد. اما آنچه در درجه اول مهم به نظر می‌رسد وحدت رویه در ترجمه و نقل لغات فرنگی است و در طول زمان با همکاری دیگر اندیشمندان حوزه‌های فرهنگی لغزشهای ناچیز این کتاب نیز بدون جنجال قابل حل‌اند.

بی‌نوشت:

1. Humm, Maggie (1995) The Dictionary of Feminist theory USA-Ohio State University Press.
2. Gamble, Sarah (2000) The Routledge Critical Dictionary of Feminism and Post Feminism. USA - Routledge, New York.

سید مهدی یوسفی

که این تمدن جهانی خواهد شد، تأکید کرده است، زیرا همه جوامع در امر دموکراسی شریک و در ایجاد تمدن سهیم اند که همین امر هم آنها را به یکدیگر نزدیک خواهد کرد.

فصل پنجم کتاب به توضیح چگونگی امکان رشد تمدن مدرن جهانی اختصاص یافته است. که ضمن اشاره به تنوع فرهنگی اقوام و ملل، جهانی شدن ممکن دانسته شده است (مثال: کشورهای شوروی سابق که با حفظ هویت قومی و فرهنگی خود، گرایش‌های غربی هم پیدا کرده‌اند)، و این که بر خلاف نظر هانتینگتون، تفاوت‌های دینی مانع شکل‌گیری تمدن واحد جهانی نیست. زیرا فرهنگ و تمدن دو مقوله متفاوت‌اند، مانع یکدیگر نیستند. در فصل ششم، نظر برنارد لوئیس، خاورمیانه‌شناس و همفکر هانتینگتون، در کتاب کار از کجا خراب شد؟ تأثیرات غرب و واکنش خاورمیانه، نقد شده است. لوئیس پیدا شدن گروههای خشونت‌گرا در شرق را احساس حقارت و واکنش انتقامی مردم آنجا در تقابل با غرب پیشرفته می‌داند و نصیحت به اسلامیه‌ها که تعظیم و دادخواهی خود را کنار بگذارند و تفاوت‌های خود را بپذیرند و استعداد و انرژی و منابع و کوشش‌های خلاق جمعی خود را متمرکز کنند تا دوباره خاور میانه را به مرکز عمده تمدن بدل سازند.

در فصل هفتم، نویسنده اختصاصاً به نقد نظریه گفت و گوی تمدن‌ها می‌پردازد. وی در این فصل با اشاره به این که «تمدن‌ها نمی‌میرند، بلکه افول می‌کنند» تکرار و بازگشت تمدن‌ها بر اساس نظریه دوری تاریخ را نمی‌پذیرد و می‌گوید وقتی خود آقای خاتمی قبول دارند که اکنون تمدن غرب، تمدن مدرن غالب است و دنیا را تسخیر کرده است، پس نظریه گفت و گوی تمدنها توجیه‌ناپذیر نیست و می‌بایست گفت و گوی فرهنگ‌ها را پیشنهاد می‌کردند. گفت و گوی تمدنها از نظر نویسنده باید همانند برخورد تمدن‌ها مبنای یک سیاست‌گذاری مشخص و عملی در برابر سیاست‌گذاری عملی آن نظریه قرار گیرد و هدف «مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنها» در ایران در درجه اول باید تحقیق و تحلیل پیرامون انگیزه و هدف و پیش زمینه‌های پیدایش و پیامدهای تئوری برخورد تمدنها باشد.

فصل هشت، به بررسی ریشه‌های تروریسم و حادثه ۱۱ سپتامبر اختصاص یافت است و اشاره به این که گروه طالبان ابزار اجرای سیاست آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان بوده و نیز اسرائیل با حمایت مستقیم آمریکا بر سر پاست و این ارتباط آنقدر جدی است که حتی «رئیس جمهور آمریکا هم جرأت نمی‌کند اقدامی علیه اسرائیلیان انجام دهد» (به نقل از مقاله پاول فیندلی با عنوان «آزاد سازی آمریکا از دست اسرائیل») و این که در آمریکا دو سناتور و چهار نماینده قربانی مخالفت با تجاوزات اسرائیل شده و نمایندگی خود را از دست داده‌اند. در ادامه، اشاره به سیاست تجاوزکارانه آمریکادر پنجاه سال اخیر و فهرستی از این تجاوزات علیه دولت‌های دیگر جهان را و نیز مسئله فقر و ثروت در جهان و رشد روز افزون فاصله بین این دو پدیده را که عامل بسیاری از خشونت‌ها شده، می‌خوانیم و با سیاست دوگانه‌ای که آمریکا در رأس کشورهای ثروتمند و ثروت طلب در این زمینه اجرا می‌کند، آشنا می‌شویم.

در آخرین فصل کتاب مسئله عربستان سعودی و القاعده و تیرگی روابط آمریکا و عربستان به دنبال اتهام عضویت ۱۵ عربستانی در بین ۲۹ نفر عوامل حادثه ۱۱ سپتامبر بررسی شده است. همچنین از دو حادثه دیگر هم در این رابطه سخن رفته است: حادثه اول گزارش وضع داخلی عربستان و دشمنی مردم آن کشور با آمریکا در جلسه بسته پنتاگون، و حادثه دوم پیدایش القاعده در ارتباط با حضور ارتش شوروی در افغانستان و همکاری عربستان و آمریکا در ایجاد القاعده و این که پس از فرو پاشی شوروی، القاعده به مبارزه علیه متحد قبلی اش - آمریکا - تغییر جهت داده است. در ادامه هم رابطه بن لادن با القاعده و با عربستان و نیز قیام سال ۱۹۷۹ مسجده الحرام بررسی شده است.